

### **Investigation of the crime of misuse of white and white signatures**

#### **Abstract**

White is the signature of the sheet which is incompletely prepared, and contains the signature or seal of the signature and is deposited by the person or the person obtains it in any way, and fills in the blanks and uses it to the detriment of its owner or possessor. . For example, (a) gives a check that is merely a signature to (b) and instructs him to complete the incomprehensible parts and, according to that contract, to (c). In this crime, it is not necessary for the white depositor to sign and the perpetrator to submit the material materially. Rather, if the perpetrator obtains it in any way, the crime may be committed by fulfilling other conditions. The crime of misusing white signature or seal has been criminalized in Article 673 of the Penal Code (1375) by the legislator. The purpose of this crime is to investigate the crime of misuse of white-collar and white-collar signatures. The damage is material and it is also moral. And interferes with its contents, and abuses it.

**Keywords:** white, stamp, signature, abuse, crime

### بررسی جرم سواستفاده از سفیدمهر و سفید امضا

محمد صالح مویدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۸

#### چکیده

سفید امضاء ورقه بوده که به صورت ناقص تهیه، و مشتمل بر امضاء و یا مهر امضاء می باشد و به شخص سپرده یا شخص به هر راهی آن را بدست آورده، و بخشهای خالی را پر و آن را بر ضرر مالک یا متصرف آن استفاده میکند. مانند (الف) چکی را که صرفاً امضاء در آن بوده و به (ب) میدهد و به او دستور می دهد که بخشهای نامفهوم را تکمیل و طبق آن قرارداد، به (ج) بدهد. در این جرم لازم نیست که حتماً بین سپارنده سفید امضاء و شخص مرتکب، تسلیم شیء بصورت مادی شرط باشد. بلکه اگر مرتکب آن را به هر طریقی بدست آورد هم ممکن است با تحقق سایر شرایط، جرم مذکور تحقق پیدا نماید. جرم سوء استفاده از سفید امضاء یا مهر در ماده ۶۷۳ ق.م.ا (۱۳۷۵) توسط مقنن جرم انگاری گردیده است. هدف این جرم بررسی جرم سواستفاده از سفیدمهر و سفید امضا می باشد سوال اینجا این است که مراد از سوء استفاده، از سفید امضاء و سفید مهر چیست و فرضیه آن به نظر می رسد که اصطلاح، سوء استفاده در متن ماده فوق الذکر، از اطلاق برخوردار بوده و هم شامل خسارت مادی می شود و هم معنوی است تحقیق حاضر جز تحقیقات کتابخانه دای می باشد و نتیجه آن سفید امضاء یا مهر امضاء، نوشته یا سندی است، که بطور ناقص تنظیم و به شخص سپرده و یا آنکه شخص آن را به هر طریقی تحصیل نموده، و دخل و تصرفاتی در مندرجات آن وارد، و از آن سوء استفاده می نماید.

واژگان کلیدی: سفید، مهر، امضاء، سوء استفاده، جرم

در حقوق ایران، جرم سوء استفاده از سفید مهر یا سفید امضاء، موضوع ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی بوده که با عنوان "فصل بیست و چهارم، خیانت در امانت" است و می‌گوید: "هر کس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به راهی بدست آورده سوء استفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد".

در واقع، هرکس که مبادرت به سوء استفاده از سفید امضایی که به او سپرده شده است کرده باشد و انجام تعهد یا سلب تعهدی را که می‌توانست شخص یا دارایی امضاء کننده را تهدید کند به خطر اندازد، مستوجب مجازات است. به علاوه، در مواردی هم که به حکم قانون، ید متصرف و تحصیل کننده سفید امضاء یا سفید مهر، مشروعیت قانونی داشته باشد، جرم مزبور قابل تحقق است.

پس، چنانچه سارق، جاعل و اخذ کننده‌ی سند (سفید مهر یا سفید امضاء) به عنف و تهدید واکراه اقدام به به دست آوردن سفید امضاء یا سفید مهر کرده باشند و از آن سوء استفاده کنند، مرتکب جرایم سرقت، جعل و گرفتن سند به عنف و تهدید و اکراه شده‌اند که موضوع جرایم خاص هستند و با متنی بودن امانت قانونی یا قراردادی، موضوع از شمول جرایم تحت عنوان خیانت در امانت‌های ذیل عنوان فصل بیست و چهارم قانون مجازات اسلامی خارج است.

از جهت اعمال قواعد، سوء استفاده از سفید امضاء و سفید مهر در واقع خیانت در امانت یا نیابتی است که به دارنده داده شده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۶۷۳ نیز سوء استفاده از سفید مهر یا سفید امضاء را زیر عنوان خیانت در امانت طرح کرده است (ماده ۶۷۳)، ولی در تعریف جعل و تزویر میخوانیم عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌های به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب. « رویه قضائی نیز سوء استفاده از سفید مهر یا امضاء را از مصداقهای جعل نمیداند.

## در لغت

هر تحقیقی لازمه اش این است، که یک تعریف جامعی از آن ارائه گردد، تا راحت تر بتوان آن موضوع را فهم نمود.

حال اصطلاح سوء استفاده به چه معناست. سوء استفاده، اصطلاحی مرکب از دو واژه، سوء و استفاده می‌باشد. سوء جمع اسواء در لغت به معنای، بدی و شرّ، و استفاده در لغت، به معنی نادیده گرفتن، بهره جویی کردن می‌باشد. بنابراین سوء استفاده به معنای استفاده نامشروع کردن یا بهره برداری بد و نابجا را می‌گویند. (معین،

قانون مجازات، با جان، مال، آبرو و ناموس افراد مرتبط است. پس قانون و اصطلاحاتش باید شفاف و بدون ابهام باشد تا از تفسیر قوانین جزائی که باب علایق را باز می کند، ممانعت کند. قضات نباید اختیار تفسیر قوانین را داشته باشند، به این دلیل آشکار که آنها قانونگذار نبوده اند. (بکاریا ص ۳۵) در قانون مجازات اسلامی، اصطلاح سوء استفاده تعریف نشده و واضح نیست که نیت واقعی مقنن از آن اصطلاح چه بوده است. آیا مقصود از سوء استفاده، تحصیل مال بوده و یا اقدام به تحصیل مال و یا هتک حیثیت هم می تواند در این دایره شمول قرار گیرد. قانونگذار در حوزه حقوق کیفری، ولو آن که اصطلاحات یا عبارات صریح و واضح باشد، از تکلیف مقنن در جهت تعریف آنها، نمی کاهد. و مکلف است آن اصطلاحات را تعریف نماید.

با این حال در قانون مجازات اسلامی، مقنن از اصطلاح سؤاستفاده تعریفی ارائه ننموده، لذا تعریف این اصطلاح و دایره شمولش، از منظر قانونی مشخص نیست. شاید گفته شود که عدم تعریف اصطلاحات از سوی مقنن، واگذاری تعریف به عرف است. چرا که عرف در حقوق کیفری، جنبه، مفسر اراده قانونگذار است. در حالی که در حقوق مدنی، عرف جنبه موجد و ایجاد کننده را دارد. ضمن این که از نظر حقوقی، فقدان تعریف قانونی، الفاظ، حسب ماده ۲۲۴ ق.م، سبب ارجاع موضوع به عرف می شود. الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه. لذا عرف باید مفسر اراده مقنن باشد. سوالی که در اینجاست این که، آیا فقدان تعریف قانونی دارای مزیت می باشد؟ مثلاً بهتر می تواند با تحولات اجتماعی منطبق شود. مطمئناً فقدان تعریف قانونی چنین مزیتی را دارد. به عبارت دیگر، اصولاً در حوزه قانونگذاری کیفری دو رویکرد است. رویکرد اول، تعریف جرم یعنی بیان ارکان آن. این رویکرد، حقوق فردی را بیش تر تضمین می کند، ولی توان انطباق با تحولات اجتماعی را از دست می دهد اما در رویکرد دوم، رویکرد عدم تعریف جرم است.

این رویکرد با نظم عمومی بیشتر منطبق است چون می توان مصادیق جدید را نیز داخل در عنوان نمود. علیهذا مقنن دانسته یا ندانسته از مزایای عدم تعریف جرم (رویکرد دوم)، این اصطلاح را تعریف ننموده است. لذا برای تعریف آن، باید به عرف رجوع کرد.

### از منظر حقوقدانان

اگرچه در قانون تعریفی از اصطلاح سوء استفاده نشده، اما دکترین حقوق جزا بار عدم مسئولیت پذیری مقنن را بر دوش کشیده و این اصطلاح را تعریف نموده اند. گروهی از حقوقدانان بیان می کنند، که سوء استفاده از سفیدامضاء، عملی است که از ناحیه شخصی که به او اعتماد شده و سفید امضایی در اختیار او است سر می زند، با این شرح که مجرم بالای سفیدامضاء می نویسد، بطوری که در نتیجه عمل او، تعهدی به مقتضای نوشته مزبور متوجه صاحب امضاء گردد، یا خود مجرم از تعهدی که قبلاً به نفع صاحب امضاء داشته برمی گردد. (جعفری لنگرودی، ص ۳۶۸).

عده ای دیگر از حقوقدانان در تعریف از سوءاستفاده بیان می کنند که، سوءاستفاده از سفیدامضاء به این معناست، که دارنده سفید امضاء، چیزی را بنویسد که مورد توافق آنها نبوده است. مثلاً آقای ((الف)) به آقای ((ب)) کاغذی سفید و با امضاء می دهد تا برای کار خاصی وکالت در امور لازمه را بنویسد، اما آقای ((ب)) روی کاغذ می نویسد که ((الف)) ده میلیون ریال به وی بدهکار است

تمام دیدگاه هایی که بیان گردیده، اگرچه از لحاظ واژگان با هم متفاوت هستند، اما دارای مفهوم واحدی هستند.

علیهذا، در این تعریف ارکان سوءاستفاده به نحو ذیل است: ۱- نوشتن عبارات بر روی شیء. ۲- ناقص تنظیم بودن شیء. ۳- قصد اضرار. ۴- بدست آوردن آن.

لازم به ذکر است که جزء اول از تعریف سوء استفاده، که نوشتن عبارات بر روی سفید امضاء است، نباید مبین این دیدگاه شود، که برای تحقق این جرم، تعدد عبارت بر روی ورقه مذکور شرط است. بلکه باید گفت، که در امور جزائی صیغه جمع افاده به نوع می کند. به عنوان مثال در ماده ۶۹۸ ق.م.ا قانون گذار از واژه نشر اکاذیب نام برده، که در بادی امر به نظر می رسد

برای تحقق آن جرم، باید چند خبر کذب عنوان شود. اما رویه دادگاهها و همچنین رای وحدت رویه شماره ۲۶۲۲ مورخ ۱۳۱۸/۱۰/۱۰ خلاف ادعای مزبور را ثابت نموده و قایل به این اصل، که در جزائیات صیغه افاده به نوع می کند، نشر یک خبر کذب را در صورت دارا بودن شرایط لازم برای تحقق آن جرم (ارکان متشکله جرم نشر اکاذیب) کافی برای تحقق آن می داند. لذا نوشتن یک عبارت مثلاً تاریخ و یا مبلغ در صورت تحقق شرایط دیگر، سبب تحقق جرم سوءاستفاده خواهد شد.

### معیار سوءاستفاده

یکی از مباحث مهمی که در اینجا قابل طرح است این که، معیار و ملاک سوءاستفاده چیست. به عبارت دیگر آیا برای سوءاستفاده، ملاکی وجود دارد یا خیر.

ماده ۶۷۳ ق.م.ا که رکن قانونی جرم سوء استفاده در نظام کیفری ایران است، مقرر می دارد ((هرکس از سفید امضاء که به وی سپرده شده و یا به هر طریقی بدست آورد، سوء استفاده نماید، به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.)) در قانون معیاری برای سوءاستفاده بیان نگردیده، لذا در اینجا چند فرض را می توان مطرح کرد.

اولین فرض این که، سوء استفاده صرفاً اعلامی بر خلاف توافق است. اگر چنین فرضی را بپذیریم، در این صورت ضرر یا سود معنا ندارد. (معیار اخلاقی)

در فرض دوم این که سوءاستفاده، اقدامی بر خلاف منافع متعهد سند است. که در این صورت قید ضرر اخص از سوءاستفاده می شود. (تشخیص متعهد سند)

و در فرض سوم این که، سوءاستفاده اقدامی مغایر با منافع ذی نفع سند است. (تشخیص ذی نفع سند)

و در فرض آخر این که، هیچ کدام از فروض بالا معیار سوءاستفاده نبوده، و تنها معیار سوءاستفاده، معیار عرفی است. (تشخیص عرف)

اما برای تحقق آن، صرف خلاف اخلاق عمل کردن، سبب تحقق جرم نخواهد شد. و علت این که تشخیص ذی نفع سند هم معیار منطقی نیست، آن است که، ذی نفع اصلاً در روابط بین متعهد سند و سوءاستفاده کننده دخیل نیست. یعنی هیچ ارتباطی بین ذی نفع سند و طرفین (متعهد و سوءاستفاده کننده) وجود ندارد. به نظر می رسد که معیار سوءاستفاده، فرض دوم (تشخیص متعهد سند) و فرض چهارم (معیار عرفی) باشد. با این توضیح که معیار عرفی جنبه تکمیل کننده دارد. و خودش به تنهایی نمی تواند معیار باشد. یعنی عمل سوءاستفاده کننده همواره باید بر خلاف تعهد و منافع متعهد سند باشد. و عرف هم وقوع ضرر به متعهد را محقق بداند. بنابراین در صورت فقدان معیار متعهد سند، معیار عرفی به تنهایی کارساز نخواهد بود و سوءاستفاده واقع نخواهد شد. بنابراین در فرضی که عملی بر خلاف منافع متعهد سند می باشد، اما عرف وقوع ضرر را تصدیق نمی کند، باید در مجازات کردن مرتکب توقف کرد. مانند حالتی که مأمور اجرای احکام به محل شرکت تجاری آمده تا در اجرای دستور قانونی، شرکت را تعطیل کند.

### سفیدامضاء

در این گفتار که از دو مبحث و چند بند تشکیل شده، در خصوص تعریف از ورقه سفیدامضاء و همچنین نشانه های حقوقی مثل مهر، امضاء و... بحث خواهد شد.

### تعریف سفیدامضاء

سفیدامضاء ورقه ای است که، بصورت ناقص تنظیم گردیده و به شخص سپرده، و یا آنکه شخص به هر طریقی آن را بدست آورده و اقدام به تکمیل قسمت های ناقص نموده، و از آن وضعیت سوء استفاده می نماید. بنابراین با این تعریفی که ارائه گردید، در سفیدامضاء صرفاً امضاء و یا مهر امضاء در ذیل آن ورقه وجود داشته، و مرتکب پس از تکمیل مندرجات آن، اقدام به سوء استفاده از آن می نماید.

### تعریف امضاء

در ماده ۶۷۳ ق.م.ا، از سفیدامضاء نام برده شده، و برای تحقق جرم، آن ورقه باید امضاء... داشته باشد. اما قانونگذار امضاء را تعریف ننموده و شاید تصور او آن بوده که در قوانین دیگر از آن تعریف شده است. اما باید گفت که از امضاء در هیچ قانونی تعریفی صورت نگرفته است اما حقوقدانان این واژه را تعریف نموده اند.

امضاء نوشتن اسم یا اسم خانوادگی (یا هر دو) یا رسم، علامت خاص که نشانه هویت صاحب علامت است، در ذیل اوراق و اسناد (عادی یا رسمی) که متضمن وقوع معامله یا تعهد یا اقرار یا شهادت و مانند آنها است، یا بعداً باید روی آن اوراق تعهد یا معامله‌ای ثبت شود. (جعفری لنگرودی، ص ۸۱).

یا به عبارتی دیگر، امضاء آن خط، شکل، حرف و عبارتی است که توسط شخصی، مستقیماً و بدون واسطه، با دست بر روی سطح منعکس می‌شود. (صداقت، ص ۳۱).

### مهر امضاء

علاوه بر امضاء که می‌تواند، مبین اراده شخص، و اعلام رضایت وی تلقی‌گردد، مهر امضاء هم می‌تواند دارای چنین او صافی باشد. ابهامی که در خصوص مهر امضاء وجود دارد این است، که آن را، امضاء تلقی‌نماییم یا مهر. اگرچه از لحاظ اثر حقوقی با هم تفاوتی ندارند و هر دو مبین اراده شخص می‌باشد، اما از لحاظ تعریف، با هم تفاوت دارند که در بندهای قبلی توضیحات لازم ارائه گردید.

مهر امضاء، با تعریف مهر بیشتر مطابقت دارد تا امضاء. باید خاطر نشان نمود، که اگرچه مهر و امضاء هر دو برای منتسب کردن سند به شخص خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرند، ولی مهر سابقه‌ای قدیمی‌تر از امضاء دارد و از قدیم الایام مرسوم بوده است.

### اثر انگشت

علاوه بر امضاء و مهر امضاء، حالت دیگری که مبین اعلام اراده و رضایت افراد می‌باشد اثر انگشت است. اگرچه مشخص نیست، که بشر از چه زمانی متوجه راز خلقت از لحاظ نقوش کف و انگشتان دست و پای خود شده، ولی این مسلم است، که از زمان‌های دور به این امر عنایت داشته، کما اینکه در اغلب آثار قدیمی ملاحظه می‌شود، آثار برجسته کف و انگشتان افراد به منظور ثبت هویت آنان بر روی ظروف سفالی و دیواره‌ها و بناهای تاریخی حک شده، فی الجمله بر الواح گلی که از تمدن آشور و بابل به جای مانده، چنین آثاری موجود است. اولین بار ویلیام هر شل انگلیسی مأمور به خدمت در کمپانی هند شرقی در بنگال هندوستان و به تقلید از بازرگانان چینی و هندی از سال ۱۸۵۸ در قبال پرداخت حقوق و دستمزد به کارگران، از آنان می‌خواست که جلوی اسم خود را در لیست مربوطه انگشت بزنند. نامبرده پس از مدتی استفاده از این شیوه، متوجه گردید، که خطوط و نقوش سرانگشتان افراد، علیرغم گذشت چند سال تغییر نمی‌کند. لذا آزمایشات و تحقیقاتی صورت گرفته که درستی نظرش را ثابت نموده، علاوه بر آن، حاکی از این نکته بود، که نقوش و خطوط انگشتان هیچ فردی مثل نقوش سرانگشتان فرد دیگری نیست... در سال ۱۸۷۷ دکتر هانری مولدز انگلیسی در ژاپن شیوه‌ای در انگشت نگاری ابداع کرد.

### وقوع جرم با امضاء، یا مهر امضاء

با توجه به مطالبی که، ارائه گردید، ماده ۶۷۳ ق.م.ا کدامیک از حالت های مطروحه در بندهای فوق الذکر یعنی امضاء، مهر امضاء و اثر انگشت را شامل می گردد. ماده ۶۷۳ ق.م.ا مقرر می دارد.

«هرکس از سفیدامضاء یا مهری که به او سپرده شده یا به هر طریقی بدست آورده، سوء استفاده نماید، به یک تا سه سال حبس محکوم می شود.» پرواضح است که برای تحقق جرم موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا. سوءاستفاده باید نسبت به سفید «امضاء» یا «سفید مهر» صورت بگیرد. پس در خصوص این که جرم موضوع ماده مذکور، با مهر یا امضاء صورت می گیرد، تردیدی نیست.

اما ابهامی که وجود دارد در خصوص مُهرامضاء و اثرانگشت است. در خصوص مُهر امضاء، با توجه به آنکه در نهایت مُهر قلمداد شد، پس جای درنگ نخواهد بود که با مُهر امضاء هم جرم مذکور تحقق می یابد.

گروهی دیگر از حقوقدانان اعتقاد دارند، که در قسمت اخیر ماده ۱۱۸ ق.ت (سابقاً رکن قانونی جرم سوء استفاده بوده و به موجب قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ منسوخ شد) آمده است «... یا چیز دیگری که موجب خسارت صاحب امضاء یا مهر شود...» تحقق جرم موضوع ماده مذکور را باید، شامل سفیدمهر و سفیدامضاء دانست. ولی، تسری آن نسبت به سوءاستفاده از اثرانگشت، محل تردید است. و باید به نفع متهم از تفسیر موسع آن خودداری کرد. گروهی دیگر از حقوقدانان نظری مخالف با نظر قبلی و هم سو با دیدگاه اولی دارند و معتقدند، که منظور از مهر اعم است از، خود مهر یا امضاء و یا ترکیب آنها (مهر امضاء) یا اثر انگشت، و هر علامتی که نشان دهنده تأیید متن سند بوسیله سپارنده است. - (حبیب زاده، ص ۱۹۴).

و مصادیق مذکور در ماده فوق الاشعار حصری می باشد نه تمثیلی. دلیل دیگری که تقویت کننده این استدلال است. اینکه، در زمان تدوین قانون مجازات اسلامی و حتی قبل از آن (قانون تعزیرات ۱۳۶۲ و قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴) فقط از مهر و امضاء استعمال شده و نمی توان ادعا نمود که، در زمان تصویب مواد یاد شده، اثرانگشت اثر خارجی نداشته است. بلکه اثرانگشت قدمتی حدوداً ۱۶۰ ساله دارد. (از سال ۱۸۵۸ میلادی اثر انگشت کشف گردیده) یعنی ۸۰ سال قبل از آن که، قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴) که اولین قانون مجازات در تاریخ ایران است، تصویب شود تا بخواهد سوء استفاده از سفیدامضاء را در نظام کیفری ایران مجرمانه تلقی نماید، اثرانگشت، فواید و انواع آن کشف شده بود. و اگر قانونگذار می خواست سوء استفاده از سفید انگشت را به مانند سفیدامضاء مجرمانه تلقی بکند با ابهامی مواجه نبود. چرا که در آن زمان اثرانگشت، کشف گردیده بود و عدم ذکر آن در قانون سابق و فعلی حکایت از رد ادعای کسانی دارد که اعتقاد دارند که جرم موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا شامل اثرانگشت خواهد بود.

مبنای جرم انگاری

مبنای فقهی



از نظر اخلاقی و مذهبی، امانتداری، یکی از صفات پسندیده و مورد تأکید است. و از نظر اجتماعی زمینه اعتماد و مودت بین افراد جامعه را فراهم می‌کند و مانع تنش‌های اجتماعی می‌شود. برعکس جرایمی که امانت‌داری و حسن اعتماد افراد جامعه را هدف می‌گیرند، موجب تنش‌های نامطلوب می‌گردند. (حبیب زاده، ص ۱۵۷). این جرم از جمله جرایمی که از خانواده جرم خیانت در امانت می‌باشد، و موجبات هتک اخلاص، و پایه‌های اعتماد و اطمینان مردم را، سست و متزلزل می‌نماید. دین اسلام، سوء استفاده افراد از اعتماد و اطمینان مردم و رفتار خلاف امانت‌داری را، از زمره گناهان کبیره محسوب می‌دارد. چرا که مرتکب به این اعتماد، پشت می‌کند.

در آیه ۲ سوره نساء می‌فرماید: « و اموال یتیمان را پس از بلوغ بدست آن بدهید و مال بد و نامرغوب خود را به خوب و مرغوب آنها تبدیل مکنید، و اموالشان را ضمیمه مال خود مخورید که، این گناهی بزرگ است.» (الهی قمشه ای، ص ۱۰۱).

و یا آیه ۲۷ سوره انفال خداوند می‌فرماید: « ای کسانی‌که ایمان آورده اید، دانسته به خدا و پیامبر و در امانتها، خیانت مکنید». این آیه شریفه تصریح به نهی از خیانت کردن دارد و نهی هم ظاهر در وجوب ترک دارد. و لذا ارتکاب آن حرام و ارتکاب هر فعل حرامی هم، مستوجب تعزیرات. و یا در آیه ۳۸ سوره حج می‌فرماید: «خدا از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می‌کند، و خدا خیانتکاران ناسپاس را دوست ندارد.» آیه ۱۰۷ تا ۱۰۹ سوره نساء که خداوند می‌فرماید: « هرگز به طرفداری خیانتکاران با مؤمنان مجادله مکن، خیانتکارانی که با نفس خود خیانت می‌کنند، خدا مردم خائن و آلوده را دوست نمی‌دارد. اینها از مردم شرم می‌کنند، ولی از خدا شرم نمی‌کنند در حالی که خدا همیشه با آنهاست، حتی موقع شب که محرمانه جلسه می‌کنند و سخنان ناروا و تهمت آمیز می‌زنند. آری خداوند به تمام اعمال آنها احاطه دارد، بر فرض که شما در دنیا از آنها دفاع کردید، در روز قیامت چه کسی از آنها دفاع و وکالت خواهد کرد.»

علاوه بر آیات شریفه قرآن، روایات منقول از ائمه معصومین هم، مبین قباح و زشتی این عمل می‌باشد. پیامبر می‌فرماید: ((امانتداری روزی می‌آورد، و خیانتکاری فقر بدنال دارد.)) (الحرانی، ص ۴۵). امیرالمؤمنین به کمیل بن زیاد نخعی از یاران مخلص خویش می‌فرماید: (( ای کمیل بدان که رخصتی در نپرداختن امانت هیچ کس نیست، هرکه از ما رخصتی در این باره روایت کند، بیهوده گفته و گناه کرده و سزایش دوزخ است، سوگند می‌خورم که رسول خدا ساعتی پیش از مرگش سه بار به من فرمود ای ابالحسن، امانت را به نیکوکار و تبهکار رد کن، زیاد باشد یا کم، حتی نخ و سوزن. (همان، ص ۱۶۹)

امام صادق (ع) می‌فرماید: ((هرکه به خائن چیزی بسپارد، بر خدا ضمانتی ندارد.)) (کلینی، ص ۱۸۹).

و یا از امام باقر (ع) نقل شده است که: (( علی (ع) برای سه نفر دستور حبس داده است: اول غاصب، دوم آنکه مال یتیم را می‌خورد و سوم آنکه از امانتی که به وی سپرده شده است، و او آن را از بین برده است. (طوسی، ص ۳۵۵)) یا در روایت دیگری از پیامبر (ص) که فرمودند: (( کسی که در دنیا در امانت خیانت

کند و آن را به صاحبش ندهد تا بمیرد، بر غیر دین اسلام مرده و خداوند او را ملاقات میکند، در حالی که بر او خشمناک است و کسی که دانسته مال خیانت شده را می خرد، در روز قیامت مانند خائن است.)) (دستغیب، ص ۳۴۳).

ایشان فرمودند: ((سه خصلت است که در هرکس باشد دلیل بر نفاق اوست، هرچند که نماز بخواند و روزه بگیرد و خود را مسلمان بداند، ۱- دروغگویی ۲- خلف وعده ۳- خیانت.)) (همان، ص ۳۴۴).

یا در روایت دیگری از امام صادق (ع) که می فرمایند: ((به طول رکوع و سجود شخصی منگرید چون، ممکن است بر اثر عادتش باشد که ترک عادت سخت بر او دشوار است، لیکن بر راستگویی و امانتداری او بنگرید و نیز از عذاب خدا بترسید، و امانت را به صاحبش برگردانید. اگر کشنده علی (ع) مرا به چیزی امین قرار دهد هرآینه امانتش را به او بر می گردانم، و از خدا بترسید و امانت را به صاحبش برگردانید، سفیدپوست باشد یا سیاه پوست، هرچند از خوارج یا اهل شام باشد.)) (همان، ص ۳۴۳).

این مطالبی که در این گفتار، عنوان گردید، حکایت از مذموم بودن عمل، از دیدگاه فقهی است. با توجه به آن که سوءاستفاده از سفیدامضاء دارای دو شق بوده، که در شق اول، حالتی را عنوان می نماید، که سفید امضاء به شخص سپرده شده باشد که از لحاظ ماهیت، بسیار شبیه به جرم خیانت در امانت بوده، و با مبنای فقهی که برای جرم خیانت عنوان شده، منطبق است.

چرا که در اینجا اشیایی مرتکب، سپرده شده، و او معیصت نموده و خلاف دستور سپارنده عمل می کند. و در شق دوم، که از به هرطریقی بدست آوردند سفیدامضاء حکایت دارد، باز هم، دارای مبنای فقهی برای مجرمانه اعلام نمودن عمل مرتکب وجود دارد. آیه ۱۸۸ سوره بقره که می فرماید: (( اموال مردم را به باطل مخورید.)) حکایت از آن دارد که، تحصیل مال از طریق نامشروع (مستنداً شق دوم ماده ۶۷۳ ق.م.ا) به موجب آیه مذکور، از گناهان کبیره بوده و افراد به عدم انجام آن توصیه شدند. (لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل)

### مبنای حقوقی

جرم سوء استفاده از سفیدامضاء نه تنها موجب سلب اعتماد افراد جامعه می شود، بلکه باعث بسته شدن دربهای سعادت و خوشبختی بر روی شخص خائن و فرزندان او خواهد گردید. بقای نوع انسانی و زیست آدمی در این عالم موقوف به معاملات و مبادله‌ی اعمال است، و چون امانت نباشد، اساس و بنیان معاملات از هم گسیخته، و رشته‌ی مبادلات پوسیده خواهد شد. وقتی که نظام معاملات از هم تنیده شد، هرگز انسان را در این جهان بقا و زیست، ممکن نخواهد بود. (احمدی، ص ۸۳)

### تشابهات و تمایزات قانون فعلی با قوانین سابق

در این گفتار، در خصوص تمایزات و تشابهات قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵)، با قوانین سابق (قانون مجازات عمومی و قانون تعزیرات) مطالبی ارائه خواهد شد. همانطوری که در گفتارهای قبل بیان گردید، برای

اولین بار در قانون مجازات عمومی، سوءاستفاده از سفیدامضاء در قلمرو حقوق موضوعه ایران، جرم انگاری، و اکنون در کتاب پنجم از تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده از قانون مجازات اسلامی بر مجرمانه بودن رفتار مرتکبی که از سفید امضاء سوءاستفاده می‌نماید، مهر تأیید زده است.

ماده ۲۴۰ ق.م.ع مقرر می‌دارد: ((هرکس از سفید مهری که به او سپرده شده سوءاستفاده کرده، از روی تقلب انتقال یا براثت ذمه یا چیز دیگری که موجب خسارت صاحب امضاء یا مهر شود روی آن بنویسد، محکوم به حسب جنجه‌ای از یک تا سه سال خواهد شد، و ممکن است به تأدیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان نیز محکوم شود، و اگر سفیدمهر به او سپرده نشده و خود او بدست آورده باشد در حکم جاعل و مجازات آن را خواهد داشت و (...)) ماده ۱۱۸ ق.ت اشعار می‌دارد: ((هرکسی از سفید مهری که به او سپرده شده سوءاستفاده کرده و از روی تقلب انتقال یا براثت ذمه یا چیز دیگری که موجب خسارت صاحب امضاء یا مهر شود روی آن بنویسد، محکوم به شلاق تا ۷۴ ضربه خواهد شد و اگر سفید مهر به او سپرده نشده و خود آن را بدست آورده باشد، در حکم جاعل بوده و مجازات آن را خواهد داشت.))

و در نهایت ماده ۶۷۳ ق.م.ا تصریح می‌دارد: ((هرکس از سفیدمهر یا سفیدامضاء که به او سپرده شده است یا به هر طریقی بدست آورده، سوءاستفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.))

### تشابهات

مراد از تشابهات آن است که آنچه وجه اشتراک قانون مجازات اسلامی با قوانین سابق است، عنوان گردد. چهارمین وجه تشابه آن است، که این جرم هم در قوانین سابق و هم در قانون لاحق جرمی غیرقابل گذشت تلقی می‌شده و گذشت شاکی می‌توانست صرفاً از کیفیات مخفیه محسوب شود.

و آخرین وجه تشابه که خیلی موشکافانه و در عین حال ساده انگارانه می‌باشد، آن است، که جرم سوءاستفاده از سفیدامضاء، چه در قبل از انقلاب و چه در بعد از انقلاب، در انتهای قوانین مو صوف، قاعده گذاری شده است، بعبارت دیگر، در مواد صد به بعد از قانون مجازات، قرار داده شده اند. (قانون مجازات عمومی در ماده ۲۴۰، قانون تعزیرات در ماده ۱۱۸ و قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۷۳ عنوان شده است.)

### تمایزات

اولین وجه تمایز بین قانون مجازات عمومی و تعزیرات با قانون مجازات اسلامی عبارت ((خسارت)) در متن مواد سابق، و فقدان آن در قانون فعلی می‌باشد در قوانین سابق، قانونگذار از خسارت به صاحب امضاء یاد می‌کند، که این خسارت، انصراف به خسارت مادی دارد.

چهارمین وجه تمایز از لحاظ مجازات مرتکب می‌باشد. در قوانین سابق جرم سوء استفاده دارای دو فرض بوده که فرض اول، ناظر به حالتی است که سفید امضاء به شخصی سپرده می‌شده، و شخص از آن سوءاستفاده

می نمود، که در قانون مجازات عمومی، مجازات مرتکب، حبس از نوع جنجه ای و از یک تا سه سال خواهد بود.

اگرچه با تمامیت معنوی او در تعارض خواهد بود. شاید ایراد وارد بشود که در نظام حقوقی ایران معیار تشخیص مجازات شدید از مجازات خفیف مشخص نبوده، که بطور صریح عنوان شد، که حبس شدیدتر از شلاق است. در اینجا باید گفت، اینکه بعضی از مجازات ها نسبت به مجازات دیگر خفیف تر است تردیدی نیست. مثلاً جزای نقدی خفیف تر از شلاق یا حبس است. اما در بعضی از مجازات ها رویه قضایی وجود ندارد که شلاق شدیدتر است یا حبس. در اینجا آیا ملاک و ضابطه، شخصی است یا ملاک، ضابطه نوعی می باشد. در این رساله، نگارنده، سه ضابطه را در فراسوی استدلال خویش قرار داد. اولین ضابطه، ضابطه شخصی، دومین ضابطه، ضابطه نوعی و ضابطه سوم، ضابطه حق نظارت دولت می باشد. در ضابطه شخصی، قاضی مجازاتی را ملاک قرار می دهد که از نظر متهم مساعدتر باشد یعنی ملاک، نظر شخصی متهم است. اما در ضابطه نوعی، قاضی بر اساس افراد تصمیم می گیرد تا حسب مورد مجازاتی را در نظر بگیرد. اما در ضابطه سوم که، ضابطه حق نظارت و چتر نظارتی قوای حاکمه، بر روی شخص متهم می باشد. هرچه این حق نظارت بیشتر باشد، مجازات شدیدتر جلوه می نماید. در این رساله، علت آن که حبس را شدیدتر از مجازات شلاق ولو در ملاء عام دانسته شد، ضابطه سوم است.

### نتیجه گیری

سفید امضاء یا مهر امضاء، نوشته یا سندی است، که بطور ناقص تنظیم و به شخص سپرده و یا آنکه شخص آن را به هر طریقی تحصیل نموده، و دخل و تصرفاتی در مندرجات آن وارد، و از آن سوء استفاده می نماید. و از این طریق سبب ورود خسارت مادی یا معنوی به مالک آن می گردد. جرم سوء استفاده از قدمت طولانی

در حقوق موضوعه ایران برخوردار است. یعنی هشتاد و هشت سال از قاعده گذاری آن گذشته و برای حمایت از اموال و مالکیت و جلوگیری از اعتماد و اطمینان افراد، جرم انگاری شده است.

با توجه به آن که برای تحقق هر جرمی، لازم است که ارکان ثلاثه آن جرم (رکن قانونی، مادی و معنوی) وجود داشته باشد علاوه بر آن سه رکن باید بین ارکان تقارن وجود داشته باشد، یعنی رفتار مرتکب، در رکن مادی، وقتی اقدام به نوشتن مطالب روی سفید امضاء می کند، باید با سوء نیت همراه باشد، و الا اگر در لحظه وقوع رکن مادی، رکن معنوی نباشد و یا در حالتی که رکن معنوی وجود دارد رکن مادی نباشد، جرم مذکور تحقق پیدا نخواهد کرد. سوء استفاده از جمله جرایم بازدارنده بوده، چه در نظام کیفری ما انفکاک جرم بازدارنده از تعزیری، علیرغم رهنمودهای دکترین حقوق جزا و رأی وحدت رویه مشکل است، اما با توجه به آنکه طبق قانون آئین دادرسی کیفری، صرفاً جرایم بازدارنده و اقدامات تأمینی مشمول مرور زمان می شود، لذا با توجه به اصولی که در حوزه کیفری از آن بهره مند هستیم، از جمله تفسیر مضیق قوانین کیفری، منع تفسیر موسع و تبرئه در حال شک و همچنین عدم توسل به قیاس در امور جزایی، مبین این دیدگاه خواهد بود، که این جرم از جمله جرایم بازدارنده بوده، لذا مشمول مرور زمان می گردد. گروهی از حقوقدانان اگرچه، اعتقادشان بر آن بوده، که چون جرم خیانت در امانت به صراحت بند ۲ ماده ۳۰ ق.م.ا غیر قابل تعلیق است، و با توجه به آنکه جرم سوء استفاده از صور خاص آن جرم تلقی می شود، پس جرم سوء استفاده غیر قابل تعلیق است. اما باید گفت اگرچه، جرم سوء استفاده از جمله صور خاص خیانت در امانت تلقی می شود اما این به معنای آن نیست، که تمام احکام راجع به جرم خیانت در امانت را، به آن جرم تسری دهیم. نتیجه چنین استدلالی آن خواهد بود، که جرم موضوع ماده ۶۷۳ جرمی قابل تعلیق است.

با توجه به آنکه برای اثبات هر جرمی، ادله اثباتی باید وجود داشته باشد، تا بتوان آن جرم را ثابت نمود، بعضاً قانونگذار ادله اثبات جرم را شمارش می نماید، اما در خصوص این جرم قانونگذار ادله اثبات جرم را شمارش ننموده و اعتقادش آن است، که هر زمانی که قاضی به علم رسید، که جرم با تمام شرایطش حدوث یافت، آنگاه حکم به مجازات مرتکب خواهد داد. قانونگذار در هر کشوری، بعضی از جرایم را که جنبه خصوصی آن غلبه بر جنبه عمومی آن دارد، یا برعکس (جنبه عمومی بر جنبه خصوصی غلبه دارد) معین می نماید. خواه در قالب ضابطه قانونی و خواه در قالب احصاء قانونی. در قانون مجازات ایران، هم قانونگذار از روش احصاء قانونی استفاده نموده، و جرایم قابل گذشت را عنوان نموده و این خود پایه گذار اصلی در نظام کیفری ایران است، که اصل بر غیر قابل گذشت بودن تمام جرایم بوده، مگر آنکه قانونگذار در آن احصاء جرایم قابل گذشت، ذکری از آن جرم برده باشد. جرم سوء استفاده در این احصاء قانونی نیست لذا جرمی غیر قابل گذشت، و نیاز به شکایت شاکی خصوصی نخواهد داشت. تقدیم دادخواست، برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم از سوی مدعی خصوصی در صورت وقوع جرم سوء استفاده و حدوث خسارت مادی به مجنی علیه الزامی است. برای رسیدگی به هر جرمی، پس از وقوع آن جرم، وجود یک مرجع قضایی صالح ضروری است. ماده ۵۱ ق.آ.د.ک مقرر می دارد: ((دادگاه ها فقط در حوزه قضایی محل مأموریت خود ایفای

وظیفه نموده و در صورت وجود جهات قانونی شروع به تحقیق و رسیدگی می کنند.) لذا با توجه به آنکه جرم سوء استفاده جرمی آنی بوده و محل تخلف امین صالح به رسیدگی است.

نکته پایانی این که اصلاً نیاز به جرم انگاری چنین جرمی در نظام کیفری ایران نبوده است. و وجود چنین جرمی، صرفاً سبب حجیم شدن قانون مجازات خواهد بود. چرا که با فقدان این جرم (ماده ۶۷۳ ق.م.ا)، مواد قانونی وجود داشته، که در صورت ارتکاب، مرتکب بدان محکومیت می یافت. چنان که، اگر سفید امضاء به شخص سپرده می شد، و وی خلاف اراده سپارنده عمل می نمود عملش خیانت در امانت و به مجازات مذکور در ماده ۱.م.ا. ۶۷۴، محکوم می شد. و اگر به هر طریقی بدست می آورد، (به وی سپرده نشده باشد) و در آن دخل و تصرفی نماید، در صورتی که از طریق تحصیل، غیر مجرمانه باشد (پیدا نمودن آن شیء)، به مجازات جرم جعل و در صورتی که استفاده می نمود، به مجازات استفاده از سند مجعول هم محکوم می شد.

(تعدد مادی از نوع متخلف و قاعده جمع مجازات) و اگر طریق تحصیل آن ناشی از عملیات مجرمانه بوده، و مرتکب علاوه بر دخل و تصرف در آن از آن استفاده هم می نمود، علاوه بر مجازات آن جرم به مجازات جرم جعل و در صورت استفاده به مجازات جرم استفاده از سند مجعول هم محکوم می شد. همچنین اگر هیچ کدام از آن مواد قانونی وجود نمی داشت. باز هم برای تنبیه مرتکب، خلاء قانونی نداشتیم. چرا که قانونگذار در ماده ۱.ا. ق.ت.ا. و ک مصوب (۱۳۶۷) و... با جرم انگاری تحصیل مال از طریق نامشروع، حجت را برای بلامجازات ناماندن مرتکبین تمام نموده است. چرا که نه تنها مرتکبین، مجازات خواهند شد، بلکه در این سبب مجرمانه (ماده ۲.ق.ت.ا. و ک) امور حقوقی هم، رنگ جزایی به خود می گیرد ماده ۲ مقرر می دارد: ((هرکس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می گردد، نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می شود و ... و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند، که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است، مجرم محسوب و ... محکوم خواهد شد.))

علیهذا، با وجود چنین ماده ای، در مجازات مرتکب، تردیدی وجود نداشت، لذا جرم انگاری ماده ۶۷۳ ق.م.ا. ضروری نبوده است.

## منابع و مآخذ

## الف) کتب فارسی

۱. الهی قمشه ای، م، (۱۳۷۰)، « ترجمه و تفسیر قرآن کریم»، قم: انتشارات صالحی.
۲. بکاریا، س، (۱۳۹۰)، « جرایم و مجازات ها»، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، ج پنجم، تهران، نشر میزان.
۳. جعفری لنگرودی، م، (۱۳۹۰)، « ترمینولوژی حقوق»، چ پانزدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۴. حبیب زاده، م، (۱۳۹۳)، « حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال» چ اول، قم: انتشارات سمت
۵. دستغیب، ع، (۱۳۷۰)، « گناهان کبیره»، قم: انتشارات اسلامی.

## ب) کتب عربی

قرآن کریم، کلام الله.

۱. الحرائی، ح، (۱۴۰۲)، « تحف العقول عن آل الرسول»، ترجمه: علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامیة.
۲. طوسی، ا، (۱۳۹۰)، « النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی»، تهران: انتشارات تهران.
۳. کلینی، ا، (۱۳۸۸)، « اصول من الکافی»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

## ج) مقالات حقوقی

۱. احمدی، م، « ماهنامه قضایی ارتش»، ش ۱۰۵، س نهم.
۲. گلدوزیان، ا، (۱۳۹۴)، « لزوم عقد امانت قانونی یا قراردادی برای تحقق جرم سوء استفاده»، نشر دانشگاه تهران، ش ۴۱، دوره نهم.

## د) جزوات

۱. صداقت، م، حقوق تجارت ۳، پلی کپی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه چالوس، سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵.

## ه) قوانین

۱. قانون اساسی
۲. قانون تامین اجتماعی
۳. قانون تجارت

۴. قانون تصدیق انحصار وراثت (۱۳۰۹)

۵. قانون تعزیرات (۱۳۶۲)

۶. قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی (۱۳۶۹)

۷. قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵)

۸. قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴)

۹. قانون مدنی

۱۰. قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران.

۱۱. قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸)

۱۲. قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی (۱۳۷۹)

۱۳. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (۱۳۶۷)